



در راهی که ناگزیریم برویم بیش از چیزهای دیگر به فلسفه نیاز داریم

رضا داوری اردکای گفت: شاید فلسفه نتواند مسائل ما را حل کند و نتواند راه رستگاری را به ما نشان دهد. اما در راهی که داریم می رویم و در راهی که ناگزیریم برویم بیش از چیزهای دیگر به فلسفه نیاز داریم.

رضا داوری اردکای گفت: شاید فلسفه نتواند مسائل ما را حل کند و نتواند راه رستگاری را به ما نشان دهد. اما در راهی که داریم می رویم و در راهی که ناگزیریم برویم بیش از چیزهای دیگر به فلسفه نیاز داریم.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در مراسم اولین جایزه دکتر رضا داوری اردکانی که در مرکز فرهنگی شهر کتاب عصر سه شنبه ۲۴ خردادماه برگزار شد، در ابتدا با اشاره به اینکه این لطفی که به من شده قدری غیر منتظره بود تشکر کرد و گفت: وقتی که بعضی از بهترین مردان یک کشور به یک نفر لطف می کنند باید قدر آن را بداند و سپاسگزار باشد، من سپاسگزارم از اینکه به من لطف شده است. من اصرارم این بود که این جایزه به نام یکی از استادان نسل من و استاد دکتر سیدیحیی مهدوی باشد.

وی در ادامه سخنانش با تأکید بر اینکه این گونه کارها، کار لازمی بود چرا که فلسفه مظلوم است، افزود: هیچ علمی نیاز به دفاع ندارد. اما فلسفه نیازمند دفاع است و باید از خودش دفاع کند. از روز اول در موضع دفاع بوده و هم اکنون هم در موضع دفاع است. من همه عمری را که به فلسفه مشغولم به سقراط اندیشیده ام و چون دریافتم سر زندگی و تفکر سقراط را هنوز نتوانسته ام چیز شایسته ای را درباره او بنویسم اما دریافته ام که سقراط در موضع دفاع بوده است.

آیین اختتامیه نخستین دوره جایزه دکتر رضا داوری اردکانی

داوری اردکانی اظهارداشت: اگر فلسفه امروز هست و وجود دارد به خاطر این هست که از زمانی که به وجود آمده یک ضرورتی بوده که این ضرورت فلسفه را حفظ کرده است. فلسفه چیزی دارد که خودش را حفظ کرده است و من فلسفه را ۲۵۰۰ ساله می دانم. یعنی به تاریخ ابتدای بشر نمی برم بلکه تاریخ حکمت را به ابتدای بشر می برم. حکمت از ابتدا وجود داشته و بشر هیچ وقت بدون حکمت زندگی نکرده است. حکمت نظریه صرف نیست. حکمت به نظری و عملی تقسیم نمی شود فلسفه که آمد این تقسیم بندی شد. در ترتیب فضایی که ذکر کرد اول فلسفه نظری را آورد و بعد از آن فرع فلسفه نظری را آورد. درباره ارسطو هم باید بیشتر تامل کرد. حکمت همیشه بوده اما فلسفه لفظ یونانی است و یونانیان آن را آورده اند و از آن زمان پرسش «چیست و چرا» مطرح شد.

وی گفت: من فکر می کنم که ما آدمیان همواره با پرسش بوده ایم. اما حکیمان پرسش نمی کردند چرا که بینشی داشته اند و می دیدند. شاید دوران بینش تمام شده و دوران شنیدن رسیده باشد، اگرچه شنیدن مانند دیدن نیست. حکیمان انسی با مرگ داشته اند. فلسفه با مسئله عدم آغاز شد و فلسفه مسئله عدم را مطرح کرد. عدم برای حکیمان مسئله نبوده است. مسئله عدم ما را به زبان و زمان و خرد می برد. آنچه که دکتر محمدرضا بهشتی در مورد رساله گفتند. پس باید این خلجانی که از آن ذکر کردند، چیزی از آن در رساله هم ذکر شده باشد و من خوشحالم که این رساله انتخاب شده است و مسئله آن هم مهم است و ما در زبان فارسی هم چنین مطلبی را نداشتیم.

این استاد فلسفه با یادآوری اینکه گفتم که فلسفه در برابر چرا قرار دارد، اظهارداشت: هیچ علمی در برابر چرا قرار ندارد. کسی چرا را در برابر شعر و ادبیات قرار نمی دهد. شعر تفنن نیست اما به درد تفنن هم می خورد. بدبختی فلسفه این است که به درد تفنن نمی خورد و چون به درد تفنن نمی خورد پس دیگر وجه وجودش معلوم نیست چیست و نمی توان گفت که برای چیست. ما ۲۵۰۰ سال است که می گوئیم فلسفه چرا هست؟ به چه کاری می آید؟ من نمی دانم چرا باید باشد، اما هست. جوانان و پیرانی هستند که عمرشان را صرف این کار کرده اند و وجود آنها جواب می دهد که چرا ما به فلسفه می پردازیم. به فلسفه می پردازیم نه از آن جهت که سودی ببریم از آن جهت که نمی توانیم نپردازیم. فلسفه تعلق است و چرا تعلق است؟ تعلق هم که اختیاری نیست و بی این تعلق مثل اینکه کار دنیا به سامان نمی شود. لاقلاً این دنیایی که ما در آن هستیم کارش به سامان نمی شود. وقتی به فلاسفه نگاه می کنید همه تقریباً یک چیز می گویند اما عبارت بسیار متفاوتی می گویند که شاید در نظر اول این عبارات هیچ ارتباطی با هم نداشته باشند و وجه مشترکشان معلوم نباشد.

آیین اختتامیه نخستین دوره جایزه دکتر رضا داوری اردکانی

استاد دانشگاه تهران با اشاره دیدگاه های ژیل دولوز گفت: دلوز می گوید فلسفه تشخیص حماقت است. این در تعریفهای دیگران هم هست. اگر این باشد که واقعا فکر نمی کنید که ما نیاز داریم. من مدعی نیستم فلسفه در حدی که من می دانم خرد را از حماقت یا خردمندی را از حماقت تمییز می دهد. اما به هر حال همه ما آدمیان در معرض اشتباه و خطا هستیم. در معرض این هستیم که جای اشخاص، جای چیزها، وقت چیزها و کارها را ندانیم و اشتباه کنیم. حماقت چیزی نیست که خیلی امر عجیب و غریبی باشد، حماقت جای سخن و وقت سخن را ندانستن است. حکمت این است که تشخیص می دهد وقت سخن، وقت کار و جای هر چیزی در کجاست. اگر این طور است که ما از حکمت دور شدیم از جانشین حکمت می توانیم بهرمنند شویم. ما می توانیم متصل شویم برای اینکه ما به خرد و خردمندی به ویژه در این زمانه دشوار که اسمهای متعدد دارد.

رئیس فرهنگستان علوم تصریح کرد: شاید فلسفه نتواند مسائل ما را حل کند و نتواند راه رستگاری را به ما نشان دهد. اما در راهی که داریم می رویم و در راهی که ناگزیریم برویم بیش از چیزهای دیگر به فلسفه نیاز داریم. فلسفه علم، فلسفه نیست. فلسفه را باید خواند، باید یاد گرفت، باید آموخت اما این آموختن با رنج و درد و هیبت شروع می شود. فلسفه با هیبت شروع می شود و همواره با هیبت است. فلسفه درست است که آرامش می آورد اما فیلسوف آرامش ندارد. فیلسوف درد را باید تحمل کند برای اینکه بنای قرار به آسایش را داشته باشد. فیلسوف که می گویم فیلسوفان بنیانگذار را می گویم مانند سقراط، درد را آزمایش کردند و راه را نشان می دهند.

وی در پایان سخنانش با اشاره به اینکه من دارم کاری را در ابتدای آغاز به فلسفه یعنی در شصت سال پیش انجام دادم انجام می دهم گفت: من هنوز هم دارم از فلسفه دفاع می کنم. در این دفاع گاهی نقد فلسفه هم می کنم اما گویی سرنوشت این بود که باید از فلسفه دفاع کنم. بسیار مفتخرم که در چنین جمعی که قرار است جایزه فلسفه داده شود و فردی که این جایزه را می گیرد معرفی شود. نظرم این است که شخصی که انتخاب شده و انتخاب کنندگان صالح که همه شما می شناسید از منتخبان نخبه گان فلسفه هستند و انشالله در دوره های بعد بیشتر به معرفی افرادی که بنده می شوند پرداخته شود.